



## مفهوم وطن در قرآن کریم

دکتر مرتضی رحیمی

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

ز

### پیشگفتار

وطن از جمله عناوینی است که در فرهنگ‌های گوناگون و نزد همه مردم دنیا و نیز در ادیان آسمانی از جمله دین مقدس اسلام مورد توجه بوده و از قداست و احترام خاصی برخوردار است و به محبت و مهرورزی نسبت به آن توصیه و سفارش شده است و حتی حیوانات نیز به محل زندگی خود که در کتب لغت گاهی از آن به وطن تعبیر شده گرایش غریزی دارند، دین اسلام با بیانی که خواهد آمد این میل غریزی را از نظر دور نداشته و از طریق آیات و روایات آن را مورد توجه قرار داده و نویسندگان درباره آن کتاب‌های مستقل نگاشته و شعراء درباره آن اشعار زیادی سروده‌اند، از این رو برای روشن شدن چگونگی توجه قرآن کریم به وطن باید ابتدا مفهوم وطن روشن و اهمیت آن از دیدگاه اسلام مورد



اشاره قرار گیرد.

چنانچه بعداً خواهیم دید کلمه «معاد» در برخی از آیات قرآن<sup>۱</sup> به معانی چندی از وطن به کار رفته است، همچنین از کلمات دیار، القربه و مشابه آنها مفهوم وطن استفاده می‌شود.

## مفهوم وطن

کلمه وطن به معنای اقامت می‌باشد و وطن بالمکان و طناً، یعنی اقامت کرد در آن، در مقابل براساس تصریح کتب لغت<sup>۲</sup> و توضیح مفردات قرآن<sup>۳</sup>، وطن به فتح واو و طاء به معنی محل اقامت انسان و مقر او و نیز هر مکانی که انسان برای کاری در آن مانده است می‌باشد، کلمه اوطان جمع آن می‌باشد.

در حدیثی درباره خصوصیت و ویژگی پیامبر (ص) آمده که<sup>۴</sup>: «لا یوطن الیماکن»، یعنی پیامبر (ص) در هیچ مکانی جای مخصوص برای خود تعیین نمی‌فرمود و هر جا که می‌شد می‌نشستند. کلمه موطن به معنای جایی است که انسان در آن سکونت نموده، و آن را وطن خودش قرار می‌دهد<sup>۵</sup>. تنها هم خانواده کلمه وطن می‌باشد که در قرآن<sup>۶</sup> به صورت موطن به کار رفته است.

دهخدا<sup>۷</sup> برای معنای وطن به مواردی همچون جای باش مردم، جای اقامت، محل اقامت، مقام و مسکن، جایی که شخص زاییده شده و نشو و نما کرده و پرورش یافته، شهر زادگاه، میهن، سرزمینی که شخصی در یکی از نواحی آن متولد شده و نشو و نما کرده باشد و ... اشاره نموده است.

## اهمیت وطن در اسلام

وطن به مفهومی که گذشت در اسلام اهمیت بسزایی دارد و میهن دوستی، از حس اولیه تعلق داشتن به مکان هویت ویژه آن و حس دفاع از منافع فرد در آن مکان، ناشی می‌شود و جنبه الهی و مفهومی مقدس دارد، از همین رو در پاره‌ای روایات دوست داشتن وطن نشانه ایمان دانسته شده است، چنانچه از پیامبر (ص) منقول است که فرموده‌اند: «حب الوطن من الایمان»<sup>۸</sup> و نیز علی (ع) فرموده‌اند: «عمرت البلاد لحب الاوطان»<sup>۹</sup> و یا «من کرم المرء بکائه علی ما مضی من زمانه و حنینه الی اوطانه»<sup>۱۰</sup>، وطن به مفهوم فقهی آن در علم فقه نیز از زوایای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است.

هر چند که بسیاری از دانشمندان اهل تسنن<sup>۱۱</sup> به جعلی بودن حدیث «حب الوطن من الایمان» باور داشته و به مفهوم آن ایراداتی وارد نموده و گفته‌اند که با توجه به آن غیر مومنین نیز وطن را دوست دارند، دوست داشتن وطن با ایمان ملازمی ندارد و نمی‌تواند دلیل بر ایمان باشد مگر آن که منظور از وطن در حدیث یاد شده بهتر باشد، با این وجود برخی از ایشان<sup>۱۲</sup> با

وجود جعلی دانستن سخن مزبور، در شرعی بودن حب وطن تردیدی ننموده و آن را با موارد دیگری به اثبات رسانده‌اند، مثل آن که به کار پیامبر (ص) استناد نموده‌اند که هرگاه از مسافرت باز می‌گشتند به دیوارهای شهر مدینه می‌نگریستند و شترشان را می‌خوابانند و چنانچه سوار بر مرکب بودند به خاطر شدت علاقه به شهر مدینه آن را به حرکت در می‌آوردند. (حرکت مرکب را تند می‌کردند) و برخی<sup>۱۳</sup> نیز اعلام ناراحتی پیامبر (ص) از ترک مکه و رفتن به سوی مدینه و نیز وصیت حضرت یوسف (ع) به قرار دادن تابوتش در کنار آرامگاه پدرانش را دلیل بر مطلوبیت حب وطن دانسته‌اند.

چنانچه خواهیم دید در تفاسیر شیعی از آیات زیادی مطلوبیت حب وطن نتیجه گرفته شده و تصریح شده که پیامبر (ص) پس از ترک مکه اشتیاق و علاقه قلبی خود را به مکه که ذاتاً دوست داشتنی است اعلام نموده و از آن به عنوان محبوبترین شهر تعبیر نموده‌اند و خداوند نیز به ایشان مرزده داده که به زودی به شهر محبوب و مورد علاقه ات خواهی رسید که پس از صلح حدیبیه این امر میسر شده است، از سویی تلازم بین حب وطن و ایمان مورد توجه بسیاری از دانشمندان اسلامی قرار گرفته، چنانچه (حرّ عاملی)<sup>۱۴</sup> اشاره کرده که شرح حال علمای جبل عامل را بر دیگر علمای متأخر مقدم داشته به دلیل به جا آوردن حق وطن به خاطر حدیث

حب الوطن من الایمان و داخل بودن آن در عنوان «الأرض المقدسه»<sup>۱۵</sup> و... همچنین رضی الدین محمد قزوینی در کتابی که در خصوص شرح حال علمای قزوین نگاشته<sup>۱۶</sup> در آغاز به حدیث حب الوطن من الایمان استناد نموده و به شرح آن پرداخته است.

برخی از عرفاء<sup>۱۸</sup> نیز با اذعان به صحت حدیث یاد شده، وطن را به صورت فطرت و پیمان و عهد نخستین و محل ایمان معنی کرده و با توجه به آیات و روایات مشیر به لزوم هجرت، نفس را که در جای غربت سکنی گزیده به هجرت به سوی آن تشویق می‌کنند. براساس این نگرش، عرفاء بر این باورند که وطن روح باید محبوب باشد. نزدیک به همین برداشت، برداشت شیخ بهایی در نان و حلزوی خویش است که در حدیث یاد شده وطن را به معنای عشق بازگشت به اصل انسانی گرفته و گفته است:

این وطن، مصر و عراق و شام نیست

این وطن، شهرست کورانام، نیست

زان که از دنیا است این اوطان تمام

مدح دنیاکی کند «خیر الانام»

چنانچه دوست داشتن وطن، موجب شود که فرد به صورت ناحق از وطن‌های دیگر نفرت پیدا کند و یا به ناحق دشمنی نسبت به دیگران را موجب گردد، دوست داشتن مقبولی نخواهد بود. از سویی اسلام به طرح عنوان دارالاسلام علاوه بر زادگاه و محل زندگی انسان از وطنی دیگر سخن می‌گوید و مردم را به مهرورزی

نسبت به آن سفارش می‌کند، به عبارتی اسلام همه سرزمین‌های اسلامی را وطن مسلمانان دانسته و به دفاع از آن‌ها سفارش می‌کند و همه سرزمین‌ها را سرزمین خدا می‌داند و اشاره می‌کند که مسلمانان هر کدام را که بخواهند می‌توانند برای زندگی انتخاب کنند.<sup>۲۰</sup> با توجه به همین نگرش مولوی در عبارت «چه تدبیر ای مسلمانان، که من خود را نمی‌دانم نه ترسا، نه یهودم من، نه گبرم، نه مسلمانم عجب یاران! چه مرغم من، که اندر بیضه می‌پریم درون جسم آب و گل، هم عشقم، همه جانم» اشاره کرده که من در قدم نخست، انسانم و به انسان و انسان کامل شدن یا عاشق شدن می‌اندیشم و از سویی اشاره نموده که سرزمین و وطن من، نه بلخ است و نه فرغانه و نه خراسان و نه آریانا است، بلکه من متعلق به همه جهان هستی و همه بشریت هستم.

## مهر و حب وطن در آیات قرآن

چنانچه خواهیم دید اسلام حب و مهر ورزی نسبت به دین را آن چنان قوی و لازم می‌داند که به خاطر آن به هجرت از وطن توصیه و سفارش می‌کند، با این وجود، این امر حب وطن که از بسیاری از روایات و آیات نتیجه گرفته می‌شود را خدشه دار نمی‌کند. برای اثبات مدعا آیاتی که مطلوبیت مهرورزی و حب وطن از آنها نتیجه گرفته می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرند. آیاتی که مطلوبیت مهر و حب وطن را نتیجه می‌دهند به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) آیاتی که از لزوم دفاع و مشروعیت آن و به عبارتی از مشروعیت جهاد دفاعی سخن می‌گویند، با توجه به آن که اغلب جنگ‌های مسلمانان، از قبیل جنگ خندق، جنگ احد و ... به خاطر دفاع از سرزمین مسلمانان بوده، این نوع آیات در کنار لزوم مهر و حب نسبت به دین اسلام به نوعی مطلوبیت مهر و حب به وطن را نتیجه می‌دهند. سخن علی (ع) در خطبه جهادیه<sup>۲۱</sup> در خصوص مذمت از قومی که در خانه هایشان با آنها جنگ می‌شود و نیز اظهار ناراحتی از اشغال شهر انبار توسط دشمن مؤید این مدعا است.

ب) آیه ی «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد»<sup>۲۲</sup>

همانا آن که خواندن و تبلیغ و عمل به قرآن را بر تو فرض کرده حتماً تو را به شهر خودت (مکه) باز خواهد گرداند. مفسرین در معنای کلمه معاد به اقوالی، همچون وطن مکه، قیامت، مقام محمود شفاعت، مرگ، بیت المقدس، بهشت و هر امر محبوب و دلخواه پیامبر (ص) اشاره کرده‌اند، بدیهی است که همان گونه که علامه طباطبایی<sup>۲۳</sup> اشاره کرده‌اند با توجه به آن که این آیه پس از داستان هجرت موسی (ع) از مصر و برگشتن وی پس از بعثت مطرح شده معنای نخست، یعنی وطن بهترین و مناسب‌ترین معنا است که روایاتی که در تفسیر آیه یاد شده بیان شده و همچنین مفهوم کلمه معاد که برخی<sup>۲۴</sup> آن را به معنای وطن گرفته‌اند نیز آن را تأیید

می‌کند، از سویی نکره به کار رفتن کلمه معاد، برای آن است که به عظمت بازگشت پیامبر (ص) اشاره کند، و بفهماند که این برگشتن قابل قیاس به بودن قبلی اش در مکه نیست و تاریخ هم این معنا را تصدیق می‌کند. به موجب روایتی که در تفسیر آیه یاد شده بیان شده<sup>۲۴</sup>، پیامبر (ص) در هنگامی که از مکه خارج شده و به سوی مدینه در حرکت بوده، جبرئیل در جحفه بر او فرود آمد و به او گفت ای محمد (ص) آیا به شهرت که در آن متولد شده‌ای علاقه داری؟ پیامبر (ص) فرمود آری. به همین سبب خداوند آیه‌ی مزبور را نازل فرمود، روایت یاد شده نشان می‌دهد که پیامبر (ص) به زادگاه و وطن خویش علاقه داشته و در حالی که سه روز بیشتر از خروجش از مکه نگذشته بود علاقه خود را به آن بیان داشته است. از همین روی از ایشان نقل شده که کلمه الوطن را زیاد به کار می‌برده‌اند. همچنین نقل شده که پس از استقرار مسلمانان در مدینه و بیمار شدن عده زیادی از ایشان و ابراز علاقه آنان به مکه پیامبر (ص) فرموده‌اند:

«اللهم حبب الينا المدينة كما حببت الينا مكة وبارك لنا في مدها وصاعها و صححها لنا».

همچنین از عبدالله عباس نقل شده که چون رسول خدا (ص) از مکه درآمد تا به مدینه رود، آن شب که به غار رفت به مکه نگریست و فرمود<sup>۲۵</sup> «انت احب بلاد الله الي...» در جهان هیچ شهری را مانند مکه دوست ندارم و اگر کافران مرا بیرون نمی‌کردند، هرگز به اختیار خود از آن

خارج نمی‌شدم. همچنین از عایشه نقل شده<sup>۲۶</sup> که در حضور رسول خدا (ص) از مردی که از مکه به مدینه آمده بود پرسیدم که چگونه مکه را ترک کردی؟ وی اوصاف نیکوی مکه را بیان کرد به گونه‌ای که رسول خدا گریان شد و فرمود: فلانی ما را به شوق نیاور یا بگذار دلها آرام گیرند. (ج) «و لو ائنا كتبنا عليهم ان يقتلوا انفسكم او اخرجوا من دياركم ما فعلوه الا قليل منهم<sup>۲۷</sup>» (اگر ما واجب کنیم که خود را بکشید، یا از شهر و دیارتان بیرون شوید، ولی جز عده کمی از ایشان این طور نیستند) با توجه به مفهومی که برای آیه بیان شد، آیه صراحت دارد بر این که تعلق خاطر افراد به شهرها و وطن هایشان در جان آنها ریشه دارد، به گونه‌ای که خروج از وطن در آیه مورد بحث معادل قتل نفس قرار داده شده است، از همین روی از عمار یاسر، ابن مسعود، ثابت بن قیس و ... نقل شده که گفته‌اند<sup>۲۸</sup>: «اگر خدا ما را امر می‌کرد که خودمان را بکشیم یا از دیارمان خارج شویم، چنین می‌کردیم». و پیامبر (ص) به همین سبب فرموده‌اند:

«ان من امتي رجلاً الايمان اثبت في قلوبهم من الجبال الرواسي».<sup>۲۹</sup>

با وجود آن آیه یاد شده می‌رساند که در هنگام تصادم حب وطن و حب دین و ایمان عقیده، علی‌رغم قدرت بالای حب وطن، حب دین و ایمان و عقیده بر آن چیرگی می‌یابد. از همین روی است که مسلمانان برای حفظ دین و ایمان

خود به مهاجرت از وطن خویش دست می‌زنند.<sup>۳۱</sup>

د) «قال الملا الذین استکبروا من قومه لنخرجنک یا شعیب و الذین آمنوا معک من قریتنا اولتعودن فی ملتنا.»<sup>۳۲</sup>

اشراف زورمند و متکبر قوم شعیب به او گفتند سوگند یاد می‌کنیم که قطعاً هم خودت و هم کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از محیط خود بیرون خواهیم راند، مگر این که هر چه زودتر به آیین ما باز گردید.

این آیه به نیز همانند آیه قبل از قدرتمندی و ریشه دار بودن حب وطن سخن می‌گوید با این وجود حب وطن در برابر ایمان و عقیده تاب تحمل ندارد و مغلوب می‌شود، هر چند که آیه مورد بحث حب وطن را به عنوان میلی قدرتمند مطرح می‌کند.

ذ) «فألذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلوا لا کفرن عنهم سیئاتهم و لا دخلنهم جناب تجری من تحتها الانهار ثواباً من عند الله و الله عنده حسن الثواب.»<sup>۳۳</sup>

پس کسانی که هجرت کردند و کفار آنها را از مراکز خود (وطن هایشان) بیرون نمودند و در راه من گرفتار اذیت کفار شدند و با کفار مقاتله کردند و کشته شدند هر آینه من از گناهان آنها گذشت می‌کنم و آنها را داخل بهشت هایی می‌نمایم که از زیر آن بهشت ها نه‌هایی جاری می‌شود، این تکفیر سیئات و دخول جنت ثوابی است از جانب خدا و نزد خداوند ثواب بسیار

خوبی است.

در این آیه اخراج مومنین از اوطانشان ظلم و ستم تلقی شده، از سویی در این آیه از هجرت سخن گفته شده که در مقابل حب وطن که میل ذاتی انسان است برای انسان سخت و دشوار می‌نماید. در عین حال آیه می‌رساند که حب دین از حب وطن اقوی است که به خاطر آن مسلمانان مهاجرت به مکان هایی چون حبشه را پذیرفته‌اند. از همین روی پیامبر (ص) فرموده‌اند: «من فر بدینه من ارض الی ارض و ان کان شبراً من الارض استوجب بها الجنة»<sup>۳۴</sup> هر که هجرت کند به جهت حفظ دین خود از زمینی اگر چه به مقدار وجبی باشد به خاطر آن مستوجب بهشت شود.

ک) «قال للملا حوله ان هذا لساحر علیهم یرید ان یخرجکم من ارضکم بسحره فما ذا تامرون»<sup>۳۵</sup>.

گروهی از قوم فرعون به وی گفتند که این شخص (موسی) ساحر و جادوگر چیره دست است می‌خواهد شما را از سرزمین خود بیرون کند اکنون درباره او چه دستور می‌دهید.

با توجه به آن که حب و علاقه به وطن و سرزمین جزء سرشت انسان است، فرعون از این امر برای برانگیختن غیرت مردم استفاده کرده و یاد آور شده که موسی (ع) مخّل امنیت بوده و هدف نهایی وی اخراج مردم از سرزمین خود می‌باشد.<sup>۳۵</sup>

گ) آیاتی که اخراج پیامبر (ص) و



مسلمانان را از مکه نکوهش نموده‌اند، مثل « و کائین من قرية هی اشد قوة من قریتک الّتی اخرجتک اهلکناهم فلا ناصر لهم»<sup>۳۶</sup> و مراد از قریه ای که پیغمبر را بیرون کرد مکه است. این آیه شریفه قلب رسول خدا (ص) را تقویت و اهل مکه را تهدید و تحقیر می‌کند و می‌فرماید: خدای تعالی قریه‌های بسیاری را هلاک کرده که مردمش بسیار از مردم مکه نیرومند بودند، با این حال یاوری پیدا نشد که یاریشان کند. از همین روی است که برخی از مفسرین در هنگام تفسیر این آیه، سخن پیامبر (ص) خطاب به مکه «انت احب بلاد الله» و نیز «حب الوطن من الایمان» را مورد اشاره قرار داده‌اند که به نوعی دلالت آیه بر مطلوبیت حب وطن می‌باشد.<sup>۳۷</sup>

از جمله آیات در این باره آیه «انما ینهاکم الله عن الذّین قاتلوکم فی الدّین و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون».<sup>۳۸</sup> جز این نیست که نهی می‌فرماید شما را خداوند از کسانی که با شما در امر دین مقابله می‌کنند (مثل ابي سفیان و اتباعش در بدر، حنین، احزاب، احد و غیر این‌ها) و کمک می‌گیرند و با خود همراه می‌کنند جمع دیگری را و شما را بیرون می‌کنند از محل سکونت شما این که آنها را دوست دارند و موالات داشته باشید و کسی که آنها را دوست دارد و موالات داشته باشد پس اینها خود ظالم هستند.

در این آیه از دوست داشتن کسانی که اقدام به اخراج مسلمانان از وطنشان نموده و در امر دین با ایشان کارزار نموده‌اند نهی شده است که به نوعی مطلوبیت حب وطن و اهمیت آن را نتیجه می‌دهد.

(ع) آیه « لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة و یوم حنین اذا عجمتکم کثرتکم».<sup>۳۹</sup> یوم حنین شما را در مواقع بسیار نصرت داد، و روز (جنگ) حنین هنگامی که کثرت سپاهیان‌تان شما را مسرور ساخت.

همان طور که پیش از این گذشت، کلمه مواطن تنها کلمه هم خانواده وطن است که فقط یک بار در قرآن و آن هم در آیه مورد بحث به کار رفته است، از سویی این کلمه با کلمه وطن مترادف و هم معنی دانسته شده، هر چند که در آیه مورد بحث مواطن به معنای امکنه می‌باشد، با این وجود مواطن جمع کلمه موطن و به معنای محل اقامت انسان دانسته شده است.<sup>۴۰</sup> که به نوعی ارتباط آن با موضوع مورد بحث روشن می‌شود. البته به نظر می‌آید که مواطن به معنای مواضع باشد.

### نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر حاصل می‌شود:

- ۱- حب وطن یک میل ذاتی بوده که اگر به صورت متعادل و مشروع باشد با مساله فطری حب دین در تعارض نیست و در صورت خالص بودن دین، حب دین و ایمان بر دیگر خواسته‌ها

چیرگی می‌یابد.

## فهرست منابع و مآخذ:

۱. القرآن الکریم
۲. نهج البلاغه
۳. الاصفی فی تفسیر القرآن: فیض کاشانی، ملامحسن، قم ۱۴۱۸ق، چاپ اول
۴. امل الامل: حر عاملی، محمد بن حسن، نجف اشرف ۱۴۰۴ق
۵. المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج: زحیلی، وهبة بن مصطفى، دارالفکر المعاصر، بیروت ۱۴۱۸ق
۶. بحار الانوار: مجلسی، محمد باقر، بیروت، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم
۷. تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی: محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبار کفوری، بیروت، بی تا
۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم: مصطفوی، حسن، تهرانف ۱۳۶۰ق
۹. ترجمه تفسیر المیزان علامه طباطبایی: موسوی همدانی، محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴
۱۰. تفسیر آسان: نجفی خمینی، محمد جواد، انتشارات الدین محمدف ۱۳۹۸ق، چاپ اول
۱۱. تفسیر ابن عربی: ابن عربی، ابو عبد الله محی الدین محمد، بیروت ۱۴۲۲ق
۱۲. تفسیر روح البیان: حقی بروسوی، اسماعیل، دارالفکر بیروت، بی تا
- ۲ - علی رغم اشکالاتی که به سخن مشهور پیامبر (ص) «حب الوطن من الایمان» وارد شده، استفاده علمای گوناگون از حدیث یاد شده به صور گوناگون نشانه پذیرش این حدیث بوده و بفرض عدم پذیرش حدیث یاد شده، مطلوبیت حب وطن از طرق دیگری، همچون روایات منقول از پیامبر (ص) و علی (ع) و نیز آیات زیادی از قرآن قابل اثبات است، این امر مورد توجه بسیاری از مفسرین واقع شده است.
- ۳ - هر چند که کلمه وطن در قرآن به کار نرفته است اما کلمه «موطن» که هم خانواده و هم معنای آن است و نیز کلمه «معاد» که به قول صحیح معنای وطن را می‌دهد و نیز کلمات دیار و قریه و قری و .... در قرآن به کار رفته‌اند.
- ۴ - با توجه به آنچه گذشت میل و علاقه پیامبر (ص) به زادگاهشان مکه و نیز مدینه که شهرهائی استثنایی بوده‌اند به عنوان وطن دوم و بخشی مهمی از زندگی ایشان انکار ناپذیر است.
- ۵ - اسلام علاوه بر طرح مساله حب وطن به معنای زادگاه و محل زندگی از وطن بزرگتری به نام وطن اسلامی سخن می‌گوید که به موجب آن همه سرزمین‌های اسلامی را وطن مسلمانان می‌داند، حب این دو وطن می‌توانند با هم قابل جمع باشند. از سویی گاهی سرنوشت وطن و دین و ایمان به هم مرتبط است، در این صورت حب وطن و حب دین یکدیگر را تقویت می‌کنند.





۱۳. تفسیر الوسيط: زحلی، وهبة بن مصطفى، دارالفکر دمشق، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول
۱۴. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان: جرجانی ابو المحاسن حسین بن حسن، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ق
۱۵. خلاصة المنهج: کاشانی، ملافتح الله، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۳ ش، تهران
۱۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة: آقا بزرگ تهرانی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۱۷. السیرة الحلیة: الحلی، علی، بیروت، ۱۴۰۰ ق
۱۸. عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری: بدر الدین محمد بن احمد العینی، بیروت، بی تا
۱۹. فتح الباری شرح صحیح البخاری: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت، بی تا
۲۰. فرهنگ دهخدا: دهخدا، علی اکبر، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۲۱. مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ف علی بن سلطان محمد قاری، دار النشر لبنان، بیروت ۱۴۲۲ ق
۲۲. مستدرک سفینه البحار: نمازی شاهرودی، علی، قم، قم ۱۴۱۹ ق
۲۳. المستطرف فی کان فن فن مستنظر: الابشهی، شهاب الدین محمد بن احمد، بیروت ۱۴۰۶ ق، الطبعة الثانية
۲۴. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل، ابو عبد الله الشیبانی، دارالنشر مصر، بی تا
۲۵. مصباح المنیر: فیومی، احمد بن محمد، بی تا، بی جا
۲۶. منهج الصادقین فی الزام المخالفین: کاشانی، ملافتح الله، تهران ۱۳۳۶ ش
۲۷. من هدی القرآن: مدرسی، محمد تقی، تهران ۱۴۱۹ ق، چاپ اول
- بی نوشتها:**
۱. مصابیح المنیر، ۶۶۴/۲
۲. مصابیح المنیر، ۶۶۴/۲
۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۱۳/۱۳۱
۴. بحار الانوار، ۱۶/۱۶۹
۵. ترجمه المیزان، ۹/۲۸۹
۶. توبه ۲۵/
۷. فرهنگ دهخدا/ حرف واو
۸. قصص/ ۸۵
۹. مستدرک سفینه البحار، ۱۰/۳۷۵
۱۰. میزان ان الحکمه، ۴/۳۵۶۶
۱۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۲۰/۲۷۴ - قصار/ ۱۷۳
۱۲. فتح الباری، ۳/۶۲۱ - عمدة القاری، ۱/۱۳۵
۱۳. فتح الباری، ۳/۶۲۱
۱۴. المستطرف، ۲/۹۳
۱۵. امل الامل، ۱/۱۱
۱۶. مائده ۱/۲۱

١٧. الذريعة الى تصانيف الشيعة، ١٢٣/١
١٨. تفسير ابن عربى، ٣٢٩/٢
١٩. نهج البلاغه، كلمه قصار، ٤١٦ و ٤٤٢
٢٠. الكافى ج ٥/ص ٥- نهج البلاغه، خطبه بهاديه
٢١. قصص/٨٥
٢٢. ترجمه الميزان، ١٢٨/١٦ و ١٢٩
٢٣. تفسير روح البيان، ٤٤٠/٦ و ٤٤١
٢٤. بيان المعانى، ٤٠٢/٢
٢٥. تفسير روح البيان، ٥١٠/٣
٢٦. جلاء الذهان و جلاء الاحزان، ١١٤/٩
٢٧. نساء/ آيه ي ٦٦
٢٨. السيرة الحلبيه، ٣٨٢/٢
٢٩. تفسير الوسيط لالزحيلي، ٣٤٢/١
٣٠. التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، ١٤٤/٥
٣١. اعراف/ آيه ي ٨٨
٣٢. آل عمران/ آيه ي ١٩٥
٣٣. الاصفى فى تفسير القرآن، ٩٥٠/٢
٣٤. شعراء آيات ٣٤ و ٣٥
٣٥. من هدى القرآن، ٣٩/٩ و ٤٠
٣٦. محمّد (ص)/ آيه ي ١٣٧
٣٧. منهج الصادقين، ٣٤٣/
٣٨. ممتحنه/ آيه ي ٩
٣٩. توبه/ آيه ي ٢٥
٤٠. تفسير آسان، ٢٧٧/٦

